

نظری بر لباس کودکان اشراف در عصر ناصرالدین شاه قاجار

آمنه مافی تبار^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴

Doi: 10.22034/rac.2023.1983145.1048

چکیده

لباس کودکان در گذر ادوار تاریخی، کمتر محل بررسی بوده است. به واقع اهم مطالعات تاریخ پوشاک، بر انواع لباس زنانه و مردانه تمرکز دارد به طوری که به نظر می‌رسد از ذکر ظرایف پوشش کودکانه پرهیز شده است. پژوهش حاضر می‌کوشد چگونگی پوشاک کودکان اشراف قاجاری را در دوره ناصری محل بررسی قرار دهد و برای دستیافتن به این هدف، به اسناد مصور و مکتوب تاریخی رجوع دارد. با این نگاه، پرسش آن است: «خصایص لباس کودکان اشراف در دوره ناصرالدین شاه قاجار در مقایسه با پوشاک بزرگسالان آن عصر، چگونه تعریف و تبیین می‌شود؟» این مقاله، به شیوه توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تاریخی نسبت به نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده در پوشش کودکان قاجاری (در سه بازه نوزادی، خردسالی و نونهالی) در دو جنسیت دختر و پسر اقدام نمود. نتیجه پژوهش نشان داد که لباس کودکان درباری عصر ناصری، در فرم، الگو، رنگ، جنسیت، طرح، نقش و تزیینات از پوشاک بزرگسالان تبعیت دارد تا اندازه‌ای که این امر حتی در پوشش عروسک‌های ایشان نیز دنبال شده است. البته در لباس نوزادی، فنداق و ملحقیات آن افزون بر پوشش معمول بزرگسالی بود و چه بسا لباس پسران شبیه به دختران تهیه می‌شد که آنها هم از پارچه‌های رایج بود و تمایز ویژه‌ای در گزینش جنسیت پارچه وجود نداشت. در خردسالی، پوشش دختران و پسران به ترتیب و به طور تقریبی از لباس اندرونی زنانه و لباس مردانه پیروی می‌کرد؛ در نونهالی برای پسران شیوه پیشین دنبال می‌شد و برای دختران، افزون بر تکمیل جامه اندرونی، اجزاء پوشش بیرونی زنانه به ویژه چادر و روبنده جنبه رسمی می‌یافت و وجوه تزیینی انواع لباس اندرونی فزونی می‌گرفت.

کلیدواژه‌ها: لباس قاجار، لباس کودکان، لباس اشراف، ناصرالدین شاه.

۱. استادیار گروه طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران.

مقدمه

ناصرالدین شاه، چهارمین تاجور قاجاری، نزدیک به نیم قرن بر ایران فرمان راند (۱۳۱۳/۱۸۹۶ - ۱۲۶۴/۱۸۴۸). در دوران فرمانروایی او، تغییرات شگرفی در عرصه ملی و فراملی در سیاست، اقتصاد، فرهنگ و هنر به وقوع پیوست که پوشش ایرانیان را تحت تأثیر قرار داد. در بررسی این مسئله، در اغلب موارد، پوشاک زنان و مردان به تدقیق درآمده و حوزه لباس کودک در طول تاریخ مغفول مانده است بنابراین مقاله حاضر می‌کوشد نسبت به ترمیم این نقص اقدام کند و چگونگی پوشش کودکان در عصر قاجار را به چالش بگیرد و پرسش آن است: «ویژگی‌های لباس کودکان اشرف در دوره ناصرالدین شاه قاجار در مقایسه با پوشاک بزرگسالان آن عصر، چگونه تعریف و تبیین می‌شود؟» البته از آنجاکه در این مطالعه، بر اسناد مصور در قالب عکس تأکید می‌شود، دوره ناصرالدین شاه به عنوان دوران آغازین عکاسی در عهد قاجار، مصداق سخن قرار می‌گیرد و به تبع در واکاوی اسناد مکتوب نیز موارد به جای مانده از نیمه دوم حکومت قاجاریان تمرکز می‌شود. هرچند محتمل است که نتایج به دست آمده برای تعمیم به نیمه نخست فرمانروایی قاجارها کفایت کند اما جهت حصول نتیجه متقن و با تأسی به داده‌های اولیه این پژوهش، صرفاً لباس کودکان در دوره ناصرالدین شاه و مابعد آن، محل پژوهش قرار می‌گیرد. از سویی هرچند در برخی از مستندنگاری‌های عکاسان خارجی به زندگی ایلات و عشایر ایران و نحوه زیست آنها توجه شده است اما نوع پوشش اقوام با دگرگونی در هر جغرافیا، متنوع و چندپاره است که پژوهش‌های موضوعی و متناسب با هریک را به صورت جداگانه یا تطبیقی طلب می‌کند؛ با این حساب در این پژوهش از آن مسئله نیز صرف نظر شده و فقط بر پوشش کودکان اعیان تمرکز می‌شود زیرا معمولاً متمولین و درباریان، موضوع هنر تازه ورود یافته عکاسی به ایران عصر قاجار به حساب می‌آمدند و طبقه متوسط و پایین دست شهری از آن بی‌بهره یا به تعبیر درست‌تر کم‌بهره بودند. با این رویکرد، پس از نظری کوتاه به اصلی‌ترین اجزاء لباس زنانه و مردانه در دوره ناصری و تزئینات وابسته به آن، مفهوم کودکی در عصر قاجار مورد بررسی قرار می‌گیرد. آنگاه لباس کودکان در سنین نوزادی، خردسالی و نونهالی تبیین می‌شود و قیاس آن با لباس بزرگسالی در قالب جداول تطبیقی عرضه می‌شود.

روش تحقیق

پژوهش کیفی حاضر که رویکرد تاریخی دارد، به شیوه توصیفی

تحلیلی نسبت به بررسی پوشاک کودکان در عصر قاجار اقدام می‌کند. جهت دستیافتن به این هدف، از میان منابع تاریخ‌نگاری موجود، نزدیک به پانزده سفرنامه به قلم پیر آمده ژوبر^۱، هانری بایندر^۲، مادام کارلا سرنا^۳، ایزابلا بیشوپ^۴، یاکوب پولاک^۵، رابرت گرت واتسن^۶، ژان دیولافوا^۷، چارلز جیمز ویلز^۸، س. ام. مک‌گرگور^۹، ویلفرد اسپروی^{۱۰}، الا دوراند^{۱۱}، یوشیدا ماساهارو^{۱۲}، شین جو^{۱۳}، مادام کارلا سرنا^{۱۴}، کلارا کولیور رایس^{۱۵}، فیش برداری می‌شود و با تصویرخوانی (به صورت خاص عکس) به سرانجام می‌رسد. به‌واقع این پژوهش توسعه‌ای با روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای شکل می‌گیرد. نمونه‌گیری به صورت طبقه‌بندی احتمالی و با گزینش ۲۱ تصویر انجام می‌شود تا جامعه آماری مشتمل بر لباس کودکان در سنین نوزادی، خردسالی و نونهالی در دو جنسیت دختر و پسر بررسی شود.

پیشینه تحقیق

درباره مفهوم کودکی در ایران عصر قاجار، کتاب‌های معدودی به رشته تحریر درآمده که از جمله آنها، تاریخ کودکی در ایران (از آغاز عصر ناصری تا پایان دوره رضاشاه) به قلم زهرا حاتمی است (۱۳۹۵) که فارغ از مقوله لباس؛ آموزش، پرورش، بهداشت و کار کودکان را در بازه تاریخی مزبور، محور توجه قرار داده است. مورد دیگر، زندگی کودکان عصر قاجار در سفرنامه‌های فرنگی از فائزه شجاعی نیاست (۱۳۹۹) که علاوه بر دیگر مصادیق، همچون تعلیم و تربیت، بهداشت، تفریح و کار کودکان، پوشاک ایشان را به بررسی گرفته است اما نویسنده با رجوع به برخی از سفرنامه‌های تاریخی صرفاً با قرار دادن واژه کودکان به عوض بزرگسالان؛ نحوه پوشش ایشان را فارغ از دلالت مشخص به افراد کوچک‌سال نسبت می‌دهد. در حوزه هنر، مکتوبات متعددی در قالب کتاب و البته مقاله همچون پوشاک عصر قاجار از مریم مونسی سرخه (۱۳۹۶)، سیری در مد و لباس دوره قاجار از مهتاب مبینی و اعظم اسدی (۱۳۹۶) و سیاست‌های پوشاک در دوره قاجار و پهلوی اول (۱۴۰۰) به چاپ رسیده‌اند که اشکال پوششی این عهد را به مطالعه درآورده‌اند اما موارد فوق، از توجه خاص به پوشاک کودکان دریغ ورزیده و صرفاً بر تحولات پوشاک زنانه و مردانه تمرکز داشته‌اند. در این میان، سهیلا شهشهانی در کتاب خود با عنوان پوشاک دوره قاجار، برگی را به پوشش کودکان قاجار اختصاص داده است. با چنین پیشینه‌ای، مقاله حاضر بر آن است تا با تأکید بر ویژگی‌های صوری لباس کودکان اشرف

جدول ۱. اجزای اصلی لباس مردان و زنان اشراف در دوره ناصری. (نگارنده)

انواع لباس	زنان	مردان
پوشش سر	چارقد/ لچک	کلاه
تن پوش اندرونی	پیراهن	پیراهن
	دامن بلند یا کوتاه (دامن کوتاه، خاص زنان دربار بود)	شلوار
	شلوار	
	ارخالق/ نیم تنه شاپکین (سرداری زنانه)	
	چادر گل دار	
	جوراب	جوراب
تن پوش بیرونی	چادر و چاقچور	قبا و شال کمر یا سرداری
	روبنده	
	کفش	کفش

عمومیت یافت که جنس آن با توجه به فصل سال یا وسع مالی و مقام صاحب آن تفاوت داشت. (ویلز، ۱۳۸۸: ۳۵۲) به واقع سرداری در لغت به معنی منسوب به سردار و جامه کمرچینی بود که بلندی آن تا بالا یا زیر زانو می رسید. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۶۰) در تکمیل اجزای لباس، لازم به تذکر به نظر می رسد که پوشیدن جوراب در خانه مرسوم نبود (اسپروی، ۱۳۷۹: ۲۸) بنابراین جوراب در این عهد بیشتر به عنوان محافظ سرما در زمستان کاربرد داشت پس مردان اگر پابرنه نبودند، پاهارا با جوراب های کوتاهی می پوشاندند که تا قوزک پا می رسید. (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۰۸) البته از عصر ناصری به تدریج تولیدات کارخانجات جوراب بافی اروپایی به ایران راه یافت. در این دوره بود که جوراب های معروف خارجی در ایران جا باز کرد و مشتریان پر و پا قرصی به هم رسانند. (شهری، ۱۳۷۸: ۱۱/۲) در فضای بیرونی هم گیوه در شکل عام و کفش چرمی در طبقات اجتماعی متمول قابل استفاده بود که از اروپا وارد یا به صورت سفارشی دوخته می شد. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۷۴)

لباس زنان: در دوره ناصردین شاه، برخلاف ادوار پیش که کلاهک و توری مقبول می نمود، چارقد یکی از اصلی ترین پوشش سر خانم های اندرونی دربار شد. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۵) در واقع چارقد و لچک به یک تعبیر کاربرد دارد و لچک

در دوره قاجار (خاصه در عهد ناصری) زمینه مطالعات فراتر را فراهم آورد.

اصلی ترین اجزاء لباس زنان و مردان در دوره ناصردین شاه

اجزاء اصلی لباس زنان و مردان عصر قاجار و به تبع دوره ناصری در دو قالب اندرونی و بیرونی تعریف می شود (جدول ۱): لباس مردان: در عصر قاجار، کلاه ساده قجری به عنوان یکی از نمادهای پوششی این دوره عمومیت یافت که از پوست بره سیاه درست شده و به شکل مخروط ناقص بود. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۶۵) در تداوم استفاده از کلاه قجری، کوتاه شدن آن، پیش از ناصردین شاه و در دوره محمدشاه در دستور کار قرار گرفت (شریعت پناهی، ۱۳۷۱: ۱۵۷) و در دوره ناصری با شدت بیشتری دنبال شد. به طوریکه در میانه دوره حکومت او تا پایان عهد قاجار، کلاه قجری با قد و قامت کوتاه ماندگار شد. درباره تن پوش هم پیراهن مردان، معمولاً سفیدرنگ با یقه گرد بود. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۴۹) در صورت کلی، پیراهن عبارت از پارچه نازک چلوار^{۱۶} بود. کسی که بسیار متمکن بود پیراهن خود را نمی شست بلکه پس از مدتی که پیراهنی را می پوشید آن را به نوکر خود می داد و پیراهن نوی دیگری می خرید؛ در مراتب شاهانه نیز هر روز یک پیراهن تازه به حضور ناصردین شاه آورده می شد. لباس هایی که شاه از تن بیرون می آورد، متعلق به خدمه دربار بود. (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۰۵) البته در زمان مقارن با فرمانروایی وی، پیراهن های اروپایی هم رواج گرفت. درباره شلوار نیز وضع به همین منوال بود. شلوارها در ابتدای دوره قاجار از پارچه نخی یا ابریشمین بود که معمولاً به رنگ های آبی یا ارغوانی و به صورت گشاد دوخته می شد تا مانع نشستن روی زمین نشود (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۶۴) اما به تدریج در دوره ناصردین شاه، شلوارهای اروپایی رواج یافت چنانکه نقل می شود: «شلوار پادشاه از پارچه و گلابتون^{۱۷} است نیز به رسم اروپایی بریده شده است.» (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۰۹) درباره بالاپوش هم قبا که تشخص فرد پوشنده را تعیین می کرد، بالاتنه آن تا کمر تنگ و چسبان و دامن آن، ناقوس مانند بود. در دوره ناصردین شاه، بلندی دامن این قباها به تدریج تا بالای زانو تقلیل یافت. قباها انواع گوناگونی داشت، گاهی قباها تا ساق پا و جلو باز و گاه کوتاه بود، گاهی طرف چپ روی طرف راست قرار می گرفت گاه شال بسیار زیبایی روی آن بسته می شد. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۵۳) تا اینکه در اواسط عصر ناصردین شاه و مقارن با سفرهای او به اروپا (۱۸۷۳/۱۲۹۰، ۱۸۷۳/۱۲۹۵، ۱۸۷۸/۱۳۰۶/۱۸۸۹)، به عوض قبا، کت مخصوصی به نام کمرچین یا سرداری

سرتاپای خود را در چادر بزرگ مشکی می‌پوشاندند و چاقچور در پا می‌کردند و روبنده سفیدی که دارای سوراخ بود بر چهره خود می‌کشیدند. بر همین قیاس، زنان حرم والاحضرت، روبنده سفید کتانی و چادر اطلس سیاه داشتند. (اسپروی، ۱۳۷۹: ۱۶) چاقچور، شلوار کف‌دار، بلند و گشادی بود که روی شلیته و تنبان پوشیده می‌شد (ذکاء، ۱۳۳۶: ۳۱) و لباس بیرونی زنان را کامل می‌کرد. کفش‌ها هم در ابتدا انواع نوک برگشته‌ای بود که نیمی از پاشنه پا از آن بیرون می‌زد اما بعد از آمدن اروپاییان به ایران، این کفش‌ها با انواع چرمی سیاه و براق موسوم به قونداره جایگزین شد. (غیبی، ۱۳۸۵: ۶۰۵)

تزئینات لباس مردانه و زنانه در عصر ناصرالدین شاه

تزئینات لباس مردانه: زیورآلاتی که در دوران قاجار، مورد استفاده شاهان، شاهزادگان و رجال بزرگ مملکت قرار می‌گرفت، بیشتر شامل انواعی بود که روی لباس نصب می‌شد. این نوع زیورآلات بیش از هر چیز برای بیان جلال و جایگاه شخص در حکومت کاربرد داشت. در نتیجه به انواع گوه‌های گرانبها آراسته می‌شد. این نوع زیورآلات، شامل بازوبند، جقه، خنجر، تکمه، ساعت، سردوشی، گل‌سینه، گل‌کمر و نشان بود. (صالح، ۱۳۹۴: ۲۸) در تجمل‌نمایی این نوع زیورآلات، رنگ‌های طلایی و نقره‌ای تا آن اندازه اهمیت داشت که قشر متوسط و ضعیف که قادر به تهیه آن نبودند از آخر قواره پارچه به خصوص آن قسمت‌ها که حروف طلایی به روی آنها چسبانیده می‌شد برای تزئین لباس سود می‌جستند. (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۱۰) اما دربارهٔ طبقهٔ اشرف و ثروتمند که مورد بحث این مقاله است این نوع زیورآلات به آراسته‌ترین شکل به نمایش درمی‌آمد. چنانچه دربارهٔ شخص ناصرالدین‌شاه نوشته شده است: «آرایش لباس شاه را یک ساعت جیبی با دانه‌های درشت الماس، کامل‌تر کرده بود.» (بیشوپ، ۱۳۷۵: ۲۴) به عبارتی این شکل از پیرایه‌بندی چنان اهمیت داشت که به دقت در جزئیات دنبال می‌شد و به کرات توسط سفرا و سیاحان خارجی به عنوان یک شگفتی مورد ابراز قرار می‌گرفت: «در روز باریابی، با دیدن لباس زیبا و چشمگیر ناصرالدین‌شاه احساس شگفتی کردیم. او کلاهی از ماهوت سیاه که الماسی جلوی آن را زینت داده و پر طاووسی هم بر بالایش نشانده شده بود، بر سر داشت. شاه، لباس نظامی از پشم تیره‌رنگ در بر داشت که سرشانه‌هایش با الماس و یاقوت زینت یافته و دکمه‌های جلوی بالاپوش هم از الماس بود. شاه غرق در جواهر بود (تصویر ۱). (ماساهارو، ۱۳۹۰: ۱۹۷) لازم به تذکر آنکه در

بر صورت مثلثی شکل نهایی چارقد روی سر گواهی می‌دهد؛ هرچند برخی ابعاد لچک را نسبت چارقد کوچک‌تر دانسته‌اند. به هر روی با گذر از سال‌های اولیهٔ قاجار، تاج و تاج‌کلاه به آرامی رنگ باخت و لچک و چارقد جانشین آن شد. بدین قیاس، زنان در این دوره سر خود را با یک روسری رنگی به نام چارقد می‌پوشاندند (مک‌گرگور، ۱۳۶۶: ۲۵۹) که به تدریج نوع سفید آن برتری ویژه‌ای پیدا کرد. در رابطه با پیراهن زنان آنکه در اندرونی، لباس زن‌ها بیشتر از پارچه‌های سرخ، ارغوانی، زرد و نارنجی بود. (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۲۹) اما دربارهٔ دامن و شلوار، زنان دربار، پیش از سفرهای ناصرالدین‌شاه به اروپا و شکل‌گیری ابداعات حرم‌خانه، دامن‌های گشاد و پرچین با حاشیه یراق‌دوزی می‌پوشیدند اما پس از تحولات مذکور، استفاده از دامن کوتاه پرچین مشهور به شلیته متداول شد. (ذکاء، ۱۳۳۶: ۳۶) البته در سال‌های بعد، این تغییر دوام نیاورد و به روال سابق خود بازگشت که در این حالت، دامن‌ها تا میانهٔ ساق پا را می‌پوشاند. به موازات این امر، بانوان دورهٔ ناصری، در اوان این عصر و پیش از رواج شلیته، شلوار بسیار گشاد و پنبه‌دوزی شده به تن می‌کردند که در انواع مرغوب زمستانی از پارچهٔ شال تهیه می‌شد. (ژوبر، ۱۳۴۷: ۲۴۶) و روی آن، دامن‌های گشاد و پرچین با حاشیه یراق‌دوزی می‌پوشیدند (ذکاء، ۱۳۸۲: ۳۶) اما با رواج شلیته و حتی پس از از رونق افتادن آن، جوراب و جوراب شلواری سفید صنعتی مورد استفاده قرار گرفت. با رفت‌وآمد ناصرالدین‌شاه به فرنگ و همراهانش بود که جوراب جزء سوغاتی‌ها، البته آن هم در ابتدا برای خانم‌های دربار به ایران آمد و در تعقیب آن واردات جوراب شروع شد. (شهری، ۱۳۷۸: ۷/۲) دربارهٔ بالاپوش هم که در صورت دقیق‌تر با عناوین شاپکین یا کلیجه و ارخالق یا نیم‌تنه شناخته می‌شود؛ لباسی شبیه به سرداری مردانه بود که پس از ارخالق یا نیم‌تنه رواج یافت. شاپکین، برای دخترها بیشتر با رنگ‌های شاد همچون قرمز (ویلز، ۱۳۸۸: ۱۵۹) و برای نوجوانان از مخمل تهیه می‌شد و پس از چندی مورد استفادهٔ روزمره قرار می‌گرفت. (رایس، ۱۳۸۳: ۱۱۷) درمقابل، ارخالق، کوتاه و تا کمرگاه و متقدم بر شاپکین بود به طوری که در دورهٔ ناصری به تدریج از رونق افتاد و با شاپکین جایگزین شد. افزون‌بر این‌ها، چادرنماز، چادر خانگی غیرسیاه و خوش‌رنگ بود (شهری، ۱۳۷۸: ۵۲۴/۲) که زنان حرم به وقت لزوم در منزل به سر می‌کردند و برخی آنها را به اسم چادرشب می‌شناختند که به ویژه پس از رواج شلیته، مکمل لباس زن در فضای اندرونی بود (رایس، ۱۳۸۳: ۳۵) اما در در بیرون از خانه، زنان این دوره

مفهوم کودکی در عصر قاجار

«دوران کودکی» نیز مانند «مفهوم کودکی» در طول تاریخ نادیده گرفته می‌شد. به‌رغم اهمیت اجتماعی که دوران کودکی برخوردار است، این دوران در علوم اجتماعی نیز نمود چندانی نداشته و به مثابه حوزه‌ای مهم برای دانشمندان اجتماعی محسوب نمی‌شده است. (اسدپور، ۱۳۹۹: ۱۷) به نظر می‌رسد مفهوم کودکی در اندیشه ایرانیان عصر قاجار همانند بسیاری دیگر از مؤلفه‌های فکری و فرهنگی، میراثی از دوران گذشته بود که به صورت مکتوب و شفاهی به این دوره رسیده بود. برای مثال سعدی شیرازی در گلستان، بلوغ جسمانی را نشانه‌ای بر پایان کودکی و ورود به دنیای بزرگسالان قلمداد می‌کند. بر این اساس، سن پایان کودکی در دختران، نه سال و در پسران، پانزده سال به حساب می‌آمد. (حاتمی، ۱۳۹۵: ۱۴) امروزه بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی، عنوان کودک به شخصی اطلاق می‌شود که کمتر از هجده سال داشته باشد، مگر آنکه بر اساس قانون ملی قابل اعمال، سن قانونی وی کمتر تعیین شده باشد. (اسکویی و امیری، ۱۳۹۸: هفده) در این مقاله، مفهوم سنتی کودکی در عصر قاجار دنبال شده و از تعبیر امروزی در تعریف بازه‌های سنی پرهیز می‌شود. با این نگاه، برای احراز طبقه‌بندی مناسب در تفکیک لباس دو جنسیت دختر و پسر، افزون بر دوره نوزادی، از دو تعبیر خردسالی و نونهالی استفاده می‌شود. بدین قیاس، خردسالی به سال‌های اولیه حیات کودک معنی می‌دهد که توانایی نشستن و راه رفتن برای او به دست آمده است (کمتر از شش سالگی). در مقابل، نونهالی به دوره‌ای اشاره دارد که به بلوغ جسمانی نزدیک‌تر است و قوه عقل نیز رو به رشد گذاشته اما حتی در تعبیر سنتی (دختران کمتر از نه و پسران کمتر از پانزده سال)، صور ظاهری همچنان بر تعریف فرد در بازه سنی کودکی گواهی می‌دهد.

لباس نوزادان در عصر قاجار

در عصر قاجار، همه نوزادان ایرانی را در قنداق می‌پیچیدند. «قنداق، پارچه سفید در یک ذرع و نیم قد و پهنا که بچه را در آن پیچیده، بغل می‌کردند. برای پیچیدن طفل، قنداق از موارد حتمی بود که بدون آن بچه ترکیب نگرفته، دارای هزار عیب می‌شد. قنداق بود که پاهای بچه را راست و درست و دست‌های او را به ترکیب و کمر او را خدنگ و سینه او را برجسته و شکم او را به تو و گردن او را از رگ به رگ شدن و شکم و سینه و خود او را از سرما خوردن محافظت می‌داشت و به راحتی قابل حمل می‌نمود.» (شهری، ۱۳۸۳: ۱۵۱/۳) امری که در نقاشی‌های آن

این میان و با نظر به انواع تزیینات مورد اشاره، خنجر یا شمشیر مرصع به نشانه قدرت و دلآوری پادشاه در تمام دوره قاجار جایگاه ویژه‌ای داشت، چنانچه نقل می‌شود: خلعت معمولی پادشاه به سران و حکام محلی، قبا، کمر بند یا شالی است که به سر می‌پیچند و اگر بخواهند خلعت، متمایز و برجسته باشد یک شمشیر یا خنجر به آن می‌افزایند. (موریه، ۱۳۸۶: ج ۲ / ۱۲۸) بدین تقریر انواع تزیینات فوق در شکل‌های مختلف در لباس ناصرالدین شاه، در باریان و اشراف به فراخور دارایی تکرار می‌شد و احتمالاً در لباس کودکان نیز تأثیرگذار می‌شد.

تزیینات لباس زنانه: زیورآلات لباس زنان ساکن در حرمسرای قاجاری، متنوع بود. به‌طوریکه حتی از دستک‌های چارقد، انواع زیورآلات آویخته می‌شد. (شهری، ۱۳۸۳: ۱/۴) یا اینکه روی چارقد، تاج و تاج‌کلاهی روی سر قرار می‌گرفت و تزیینات آن گرداگر صورت را می‌پوشاند. افزون بر این، روی پیش‌سینه پیراهن، گل و بوته‌هایی با نخ‌های ابریشمی و سنگ‌های گرانبها دوخته می‌شد. (ویلز، ۱۳۸۸: ۳۵۱) چنانکه نقل می‌شود: «لباس زنان ایرانی در خانه بسیار نمایشی و پرطمطراق است. بازوان و بالای اندام را تنها پیراهن می‌پوشاند که نقش‌ونگار و سنگ‌های قیمتی گل‌بوته روی آن دوخته شده است. چند قطعه جواهر این پوشش بدن‌نما را کامل می‌کند.» (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۲۹) به‌طوریکه اغلب برای جلوه کردن پیراهن زیر و گردن‌بندها دکمه‌های لباس رویی یعنی ارخالق را نمی‌بستند. (غیبی، ۱۳۸۵، ۵۹۰) با این حجم از تزیینات و آرایه‌بندی که نه‌فقط در جزئیات پوشش که در آراستگی پیکر زنانه به عنواوین مختلف چون حنا گرفتن دست و پا به کار می‌آمد، زنان به معیار عصر خود، جلوه ملوکانه‌ای پیدا می‌کردند که در تناسب با طبقه اجتماعی و تکلف لباس ایشان قرار می‌گرفت (تصویر ۲).



تصویر ۲. انیس‌الدوله؛ همسر ناصرالدین‌شاه با لباس و زیورآلات و ابسته به آن. (URL2)



تصویر ۱. ناصرالدین‌شاه در رخت سلطنت. (URL1)

مانند بسته‌ای در قنداقی گلداز بسته شده بود.» (رایس، ۱۳۸۳: ۱۰۱) نمود این نوع پوشش در «تصویرهای ۳ و ۷» قابل ملاحظه است. در توضیح رسم قنداق پیچی آنکه بچه تا دوسال باید در قنداق بوده باشد زیرا بدون قنداق و باز نگه داشتن وی را سبب نواقص اعضا و اندام او در بزرگسالی می‌دانستند و برای این کار دستوراتی داشتند: «پیشانی‌اش را با پیشانی‌بند محکم می‌بستند که کله‌اش خربزه‌ای نشود. لچک سرش می‌کردند که گوش‌هایش بلبله نشود. کلاه سرش می‌گذاشتند که مغز و ملاحظه سرما نخورد. پشتش بالشتک می‌گذاشتند که قوز درنیآورد. پاهایش را با بند سینه‌بند می‌بستند که کمان‌پا و پاپیچیده نشود. بند قنداقش را محکم می‌بستند تا کمرش باریک شود و کفلش را شل می‌بستند که سرین پیدا کند. دو مرتبه در روز و یک مرتبه آخر شب او را می‌شستند. پس از باز کردن، دست‌هایش را باز و بسته کرده و به هر طرف کشیده تا خستگیش در برود» (شهری، ۱۳۸۳: ۱۳/۱۶۷) و سپس این پوشش را به ویژه دربارهٔ پسران با کیسهٔ کوچکی کامل می‌کردند که محتوای، قرآن، ادعیه و نمک بود و برای دفع بلا به کار می‌آمد (تصویر ۸).

دربارهٔ لباس نوزادان ایرانی باید به تهیهٔ سیسمونی نیز اشاره داشت. پیش از تولد نوزاد در ایران برای فرزند آیندهٔ زنی که پنج ماهه آبستن بود جامه و تن‌پوش فراهم می‌کردند که به سیسمونی شهرت دارد: لباس زیر و رو به‌طور کامل به‌طوریکه برای نوزاد پسر یا دختر، هر دو به کار بیاید مانند لچک، کلاه، پیش‌بند، پیراهن قیامت (چلوار سفید چاک‌خورده که به گردن نوزاد می‌انداختند تا در روز قیامت برهنه نماند)، پیشانی‌بند (پارچهٔ خوش‌رنگ گل‌کلاغی^{۱۹} جهت پیشگیری از دنبکی شدن پیشانی طفل بر سر او می‌بستند)، شکم‌بند، سینه‌بند (نوارمانندی پهن از دولا پارچه که وسطش پنبه می‌گذاشتند و جهت محافظت طفل از سرما خوردگی به دور سینه‌اش می‌بستند)، دست‌پیچ (دولا پارچه که با آن دست‌های بچه را به پهلوهایش می‌بستند تا سر و صورت خود را زخمی نکند)، کهنه (پارچهٔ نرم مثلثی برای زیرپای بچه که به طفل پیچیده سپس قنداقش می‌کردند)، کهنه مشما (پارچه‌ای را در موم آب کرده زده بیرون می‌آوردند و به جای نایلون‌های امروزی جهت جلوگیری از پس دادن رطوبت دور طفل می‌پیچیدند)، قنداق، بند قنداقی، رو قنداقی (پارچه‌ای زیبا مثل روسری که به سر و روی قنداق طفل می‌انداختند)، گهواره، ننو، تشکچه سوراخ‌دار، لحافچه، رختخواب، روصورتی، کفش چُسک و... تهیه می‌شد. (همان: ۱۵۰) در بارگاه شاهانه، بیشتر هزینه‌های فوق از سرچشمه‌های وابسته به پایگاه قدرت پرداخت

عصر نیز به تصویر درآمده است (تصویر ۳). در زیر قنداق، به تن نوزاد، لباس می‌پوشاندند: پیراهن‌های کوچک آنها را ماهرانه و دقیق می‌دوختند که البته برای نوزاد، لباسی بسیار ناراحت بود. پیراهن‌ها و بالاپوش‌های تنگ و چسبان و نوعی سینه‌بند بلند که همه با همان الگوی لباس بزرگسالی و از پارچه‌ای تیره و زمخت تهیه می‌شد (تصویر ۴) و اگر والدین ثروتمند بود جنس لباس به ابریشم یا مخمل سبز، سرخ، آبی یا ارغوانی تغییر می‌یافت و کلاهی کوچک از ابریشم یا مخمل با حاشیهٔ طلایی یا نقره‌ای سر را می‌پوشاند (تصویر ۵) در این میان، گاه لباس دخترانه بر تن یک پسر می‌کردند تا احتمال خطر ناشی از چشم‌زخم حسادت دیگران را کاهش دهند (تصویر ۶) در نهایت تمام کودکان را با تمام لباس‌های فوق در پارچهٔ نقش‌دار یا سادهٔ مربع‌شکل بزرگی می‌پیچیدند و این بقچه را با بستن بند، نوار یا تسمه تکمیل می‌کردند (تصویر ۳). (رایس، ۱۳۸۳: ۹۱) شایان ذکر آنکه شاید بر تن داشتن لباس پسرانه بر تن دختران، به تبعیت از لباس‌هایی باشد که پیش از تولد نوزاد و با ناآگاهی از جنسیت او تهیه شده و به هر روی باید مورد استفاده قرار می‌گرفت. اما از آنجاکه پوشاندن لباس دخترانه بر تن پسران به منظور پرهیز از چشم‌زخم مورد اشارهٔ تاج‌السلطنه، دختر ناصرالدین شاه نیز بوده؛ قریب به یقین در این مفهوم کاربرد آن برای پرهیز از چشم‌زخم درست‌تر به نظر می‌رسد. همان‌طور که در تصویر ۶ نیز ظاهراً نوزادی به نام «حسن» نیز پیراهن دخترانه به تن دارد. به هر روی در نهایت نوزاد پوشانده در لباس را قنداق می‌کردند. این سنت در ایران، سابقهٔ دیرینه داشت چنانکه پیش‌تر و در عهد فتحعلی‌شاهی در این‌باره نقل شده است: «زن زانوی جوان، پیراهن معمولی پوشیده و روی تشکی دراز کشیده بود. در کنار مادر نوزاد را مانند مومیایی اروپایی قنداق کرده و سر بچه را روی قرآنی گذاشته و خوابانده بودند.» (موریه، ۱۳۹۶: ۲/۲۹۷) نوار پیچی قنداق چنان محکم انجام می‌گرفت که می‌شد نوزادی را که یک هفته از عمرش بیشتر نمی‌گذشت، کنار دیوار ایستاند. (شجاعی‌نیا، ۱۳۹۹: ۱۵۷) این رسم و شیوه که تا سال‌های اخیر نیز تداوم یافت، در سفرنامهٔ عصر احمدشاه چنین مورد تذکر واقع می‌شود: «آنگاه برای نخستین‌بار چشمم به قنداقی افتاد که در لبهٔ لحاف جای داده بودند و آن دختری بود که دو ساعت از تولدش می‌گذشت. بر چشمان درشت سیاهش سر مه کشیده بود. گونه‌های سرخ‌فامش را در قطعهٔ چیتی^{۱۸} که روی کلاه مخملش را می‌گرفتند و به زیر چانه‌اش می‌آمد و در پشت سر گره می‌خورد، بسته بودند. تمام لباس‌هایش از پارچه‌های ابریشمی و دارای گل‌های تیره بود و تمام بدنش جز سرشانه‌ها

جدول ۲. مقایسه اجزای لباس زنان و مردان با نوزادان دختر و پسر در دوره ناصری. (نگارنده).

انواع لباس	زنان	نوزادان دختر	مردان	نوزادان پسر
پوشش سر	چارقُد/ لچک	لچک، کلاه و پیشانی‌بند	کلاه	لچک، کلاه و پیشانی‌بند
تن‌پوش اندرونی	پیراهن	پیراهن، شلوار، پیراهن، شلوار، انضمام پیش‌بند، شکم‌بند، سینه‌بند، دست‌پیچ، کیسه دعا و نمک	پیراهن شلوار	پیراهن، شلوار، بالا‌پوش به انضمام پیش‌بند، شکم‌بند، سینه‌بند، دست‌پیچ، کیسه دعا و نمک
	دامن			
	شلوار			
	ارخالق یا شاپکین			
	چادر گل‌دار			
تن‌پوش بیرونی	چادر و چاقچور	چوراب	چوراب	چوراب
	روبنده	قنداق، بند قنداق و روقدافی	قبا یا سرداری	قنداق، بند قنداق و روقدافی
	کفش	کفش	کفش	کفش

می‌شد بنابراین همواره کسی بود که رخت نوزادان و نیازهای مادرانشان را درست می‌کرد. زنان شاه در هنگام آبستنی، فهرستی از همه چیزهایی که نیاز داشتند برای فرد مزبور می‌فرستادند که وی مغازه‌ای در خانه خود ساخته و در آن جامه‌های گوناگون را برای سن‌های گوناگون انداخته بود. (موریه، ۱۳۹۶: ۱/ ۲۷۰)

با این حساب، لباس فرزند تازه تولد یافته در جنسیت، الگوی کلی، طرح، نقش، رنگ و حتی تزیینات آن تفاوتی با بزرگسالان نداشت و چه بسا به دلیل طمطراق ناشی از کاربرد پارچه‌های گرانبها همچون مخمل و زری، نامناسب با طبیعت ایشان و زمخت می‌نمود. در این میان، صرفاً قنداق و ملحقات آن اضافه می‌شد که آن هم از پارچه‌های معمول بود و حتی انواع تزیینات رودوزی بر آن اضافه می‌گردید و بر تکلف آن می‌افزود که مصداق آن در کیسه قرآن و نمک تصویر ۸ و جنسیت کلفت و سنگین پیش‌بند حاضر در تصویر ۹ قابل ملاحظه است (جدول ۲).



تصویر ۵. نوزاد قاجاری در گهواره. موزه بروکلین (نیویورک). (URL4)



تصویر ۴. نوزاد قاجاری در بغل. کاخ موزه گلستان (تهران). (نگارنده)



تصویر ۳. نوزاد قاجاری پیچیده در قنداق. حراج یونانمز (لندن). (URL3)



تصویر ۸. کیسه دعا و نمک. مجموعه زنان قاجار (URL6)



تصویر ۹. پیش‌بند قاجاری. کاخ موزه گلستان (تهران). (نگارنده)



تصویر ۷. نوزاد قاجاری پیچیده در قنداق. (URL5)



تصویر ۶. نوزاد قاجاری پسر به اسم حسن در لباس دخترانه. کاخ موزه گلستان (تهران). (نگارنده)

لباس خردسالان در عصر قاجار

اما در سن خردسالی که در این مقاله مراد از آن، اولین سال‌هایی است که کودک می‌نشیند، می‌ایستد و راه می‌رود (کمتر از شش سالگی)؛ بسیاری از کودکان خانواده‌های فقیر ایرانی که به سختی چیزی برای خوردن پیدا می‌کردند، نیمه‌عریان بودند و تنها رخت پاره، کهنه و مندرس بود که بدن آنها را می‌پوشاند (شجاعی‌نیا، ۱۳۹۹: ۱۵۸) حتی در بسیاری از موارد به سبب فقر و بی‌چیزی پوشاندن اندام کودکان (به ویژه دربارهٔ پایین‌تنهٔ پسران) امر حائز اهمیت نبود بنابراین ممکن بود کودکان در بخشی از اندام برهنه باشند یا لباس ایشان مندرس و کثیف باشد (بایندر، ۱۳۹۹: ۱۱۰) چنانکه نقل می‌شود: در روستاهای شیراز، اطفال در تمام فصول سال برهنه زندگانی می‌کنند. فقط سر آنها مانند زنان از مقداری پارچهٔ کهنه پوشیده شده و چند دانه شیشه شبیه به مروارید با دعا به آن آویخته است. (دیولافوا، ۱۳۳۲: ۳۷۹) این امر، یکی از اصلی‌ترین دلایلی است که در این پژوهش از تمرکز و تأکید بر پوشاک طبقهٔ عامه پرهیز شده است. از سویی، مستندات تصویری کمتری از ایشان به‌جای مانده است یعنی وضعیت کودکان قاجار متمایز از امروز می‌نمود چراکه ایرانی‌های طبقهٔ متوسط یک دست لباس داشتند که برای کل سال استفاده می‌شد. چنانکه کارگر فقیر فقط یک پیراهن داشت که آن را در نزدیک‌ترین قنات می‌شست. (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۰۹) به عبارتی مردم طبقهٔ متوسط ایرانی معمولاً فقط سالی یک دست لباس می‌پوشیدند (واتسن، ۱۳۴۸: ۲۹) و از اساس طبق رسم و رسوم برای نوروز، لباس نو تهیه می‌شد که اغلب بسیار بزرگ‌تر از اندازهٔ معمول بود و در طول سال با رنگ باختن تدریجی به اندازهٔ کودک درمی‌آمد چراکه لباس کودک نیز از همان الگو پیروی می‌کرد. علاوه‌بر آن، عمر جامعهٔ بیرونی مثل قبا و سرداری در ایران بسیار طولانی بود، بدین ترتیب که لباس رسمی از پدران به پسران ارشد می‌رسید و کهنگی و پارگی نداشت یعنی تا نیم‌قرن با تغییرات جزئی دوام می‌آورد و عمر آن دست‌کم سی سال بود. جهت این تداوم، دور لباس را با قیطان ابریشمی، نوار می‌گرفتند که سالیان دراز، سردست و یقه را از ترکیدن نگه می‌داشت و چون آقای خانواده از پوشیدن آن لباس خسته می‌شد به فرزندان خود می‌بخشید و از فرزندان به نوکرهای خانواده می‌رسید. (رحیم‌زاده، ۱۳۶۲: ۸۲) آنچه این تداوم کاربرد را قوت می‌بخشید آن بود که در کل، الگو و طرز لباس پوشیدن کودکان ایرانی در تمام جزئیات حتی تزیینات به بزرگ‌ترها شباهت داشت. از سویی رشد کودکان زیاد بود و چنان به سرعت بزرگ می‌شدند که دوختن لباس‌های

متمایز برای آنها غیرضروری به نظر می‌رسید. به همین دلیل پس از بیرون آمدن از قنداق، لباس بزرگسالان را بر آنها می‌پوشاندند. جامعهٔ پسران را به ویژه از رنگ آبی می‌دوختند. دختران نیز شلوارهای بلند به پا می‌کردند و روی آن دامن می‌پوشیدند (تصویر ۱۰). (رایس، ۱۳۸۳: ۱۲۰) در تداوم این نگاه عمومی، لباس کودکان اشرف و درباری نیز از فرم معمول پوشش بزرگسالان تبعیت می‌کرد و به پیروی از پدران و مادرانشان، از منسوجات گرانبها و آراسته به سنگ‌های تزیینی بود. چنانکه حتی فرم نشمین آنها در عکاسی نیز به شیوهٔ بزرگسال و به سبک و سیاق ایشان بود (تصویرهای ۱۱ و ۱۲). حتی اشیای زینتی همراه آنها، هرچند نامتناسب با سن و سال کودکی، اما دارای و طبقهٔ اجتماعی ایشان را به رخ می‌کشید. رسم و شیوه‌ای که چندان مناسب پویایی و چابکی کودک نمی‌نمود. آنطورکه پیش‌تر در این‌باره نقل شده بود: «در هنگام گذشتن از باغ، یکی از برادران شاهزاده را که کودکی کمابیش شش ساله بود دیدیم که در زیر بار جامه‌های گرانبهای زردوزی و خز و شال‌هایی که دور او پیچیده شده بود به سختی تلو تلو می‌خورد...» (موریه، ۱۳۸۶: ۱/۱۶۱) همچون «تصویر ۱۳» که بنا بر اهمیت تزیینات لباس مردانه که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت، خنجری همراه پسر خردسال شده است یا «تصویر ۱۴» که به طور قطع مربوط به سال‌های بعد از سفرهای ناصرالدین‌شاه به اروپاست و تغییرات شیوهٔ پوشش زنان در اندرونی حرم‌خانه و کوتاه‌تر شدن دامن‌ها را به رخ می‌کشد. آنطورکه دختر خردسال نیز تمام اجزاء پوشش اندرونی بزرگسالان را در قالب لچک سفید کتان، پیراهن، دامن و بالاپوش پرطمطراق و حتی جوراب کوتاه و کفش ساغری به جزئیات دنبال کرده است: «دختر بچه‌ها هم تمام اجزاء لباس زنان از جمله روسری به سر داشتند اما به علت بچگی تلاش زیادی برای پوشاندن صورت خود نشان نمی‌دادند.» (ویلز، ۱۳۸۸: ۵۷) بنابراین در طبقهٔ اشرف، پوشش دختران به شیوهٔ اندرونی زنان و پوشش پسران به سیاق مردان بزرگسال بود. یعنی دختران در این سن از پوشش بیرونی به سبک بزرگسال خود مبرا بودند و اگر نسبت به آن اقدام می‌شد صرفاً جنبهٔ تزیینی و نمایشی داشت. به‌طوریکه حتی ایشان محدود عروسک‌های وارداتی را که خاص طبقهٔ اشرف و درباری بود به شیوهٔ مرسوم ایرانی، لباس (پیراهن، دامن و ارخالق یا شاپکین) می‌پوشاندند که نمونهٔ آن در لباس‌های دست‌دوز همسر ناصرالدین‌شاه برای یک عروسک دخترانه، جهت هدیه به نمایندهٔ خارجی ساکن در ایران قابل‌بازبایی است (تصویرهای ۱۵ و ۱۶). حتی مادر بزرگ‌ها برای آموزش نحوهٔ

جدول ۳. مقایسه اجزای لباس زنان و مردان با خردسالان دختر و پسر در دوره ناصری. (نگارنده).

انواع لباس	زنان	خردسالان دختر	مردان	خردسالان پسر
پوشش سر	چارقد/ لچک	شبیبه به زنان	کلاه	شبیبه به مردان
تن پوش اندرونی	پیراهن	شبیبه به زنان	پیراهن	شبیبه به مردان
	دامن کوتاه یا بلند	شبیبه به زنان		
	شلوار	شبیبه به زنان	شلوار	شبیبه به مردان
ارخالق یا شاپکین	شبیبه به زنان			
	چادر گل دار	-----		
	جوراب	شبیبه به زنان	جوراب	شبیبه به مردان
تن پوش بیرونی	چادر و چاقچور	-----	قبا یا سرداری	شبیبه به مردان
	روبنده	-----		
	کفش	شبیبه به زنان	کفش	شبیبه به مردان

بستن روبنده و پیچه به دخترها، برای عروسک‌های ایشان این اقلام را در ابعاد کوچک می‌دوختند تا بدین طریق ایشان را برای سال‌های بعد آماده کنند (تصویر ۱۷). این سنت چنان دنبال شد که در اواخر دوره قاجار که مردم طبقه بالای جامعه، لباس فرنگی به شیوه آمیخته ایرانی و اروپایی می‌پوشیدند (شین‌جو، ۱۳۹۳: ۱۱۴)، پوشاک دختران و پسران خردسال نیز مطابق آن اسلوب تهیه شد (جدول ۳).

لباس نونهالان در عصر قاجار

در باره کودکانی که از شش سالگی گذر می‌کردند و تفاوت‌های جنسیتی در آنها ملحوظ می‌شد، تفاوت پوشش به صورت مبرزی در جنسیت دخترانه و پسرانه مشخص بود زیرا نوزادان پسر در بسیاری موارد با لباس دخترانه پوشانده می‌شدند و در مقابل، لباس برخی از دختران ایرانی تا وقتی هنوز به سن بلوغ نرسیده بودند کاملاً ساده بود و تفاوت چندانی با لباس پسر بچه‌ها نداشت



تصویر ۱۳. کودک خردسال قاجاری. کاخ موزه گلستان (تهران). (نگارنده)



تصویر ۱۲. کودک خردسال قاجاری. کاخ موزه گلستان (تهران). (نگارنده)



تصویر ۱۱. کودک خردسال قاجاری. کاخ موزه گلستان (تهران). (نگارنده)



تصویر ۱۰. کودکان خردسال قاجاری. برگی از هزار و یک شب صنع الملک، کاخ موزه گلستان (تهران). (نگارنده)



تصویر ۱۷. روبنده و پیچه برای عروسک. کتابخانه دیجیتال دانشگاه هاروارد. (URL6)



تصویر ۱۶. چاقچور و شاپکین برای عروسک تصویر ۱۵. موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن). (URL8)



تصویر ۱۵. عروسک وارداتی قاجاری در لباس ایرانی. موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن). (URL8)



تصویر ۱۴. کودک خردسال قاجاری. (URL7)

تا زمانی که به تدریج چهره و ظاهر زنانه به خود می گرفتند (ویلز، ۱۳۸۸: ۳۶۱) و اوضاع تغییر می کرد. البته به نظر می رسد که یگانگی لباس دختر و پسر در سن خردسالی، بیشتر در طبقات پایین دست جامعه معمول بوده و در طبقات مرفه از همان ابتدا تعریف جداگانه داشته است. به هر حال، بعد از آنکه جنسیت دختر و پسر نمود بیشتری می یافت؛ پوشش ایشان نیز مسیر جداگانه ای را طی می کرد. درباره دختران نوجوان آنکه در سرتاسر دوره قاجار، ایشان از نظر لباس پوشیدن در فرم کلی الگوی لباس و حتی تزیینات بسیار به زنان شبیه بودند، امری که در کلیت پوشاک و آرایه های زرین گرداگرد صورت دخترک حاضر در «تصویر ۱۸» جهت تکمیل چارقد قابل ملاحظه است. چنانکه این دختران همچون زنان جا افتاده لچک ساده یا گلدار به سر می کردند. پیراهن حریر و دامن ساده یا نقش دار به تن داشتند و به تناسب شرایط زمانه و مد لباس، شلوار یا جوراب شلواری به پا می کردند (تصویر ۱۹) و چادر نماز روی سر می انداختند. در توضیح بیشتر چنین نقل می شود: تا زمانی که خردسال هستند تنها چادر چیت یا چادری که در منزل مورد استفاده قرار می گیرد روی لباس به سر می کنند و با این هیأت بیرون می روند اما به مجرد آنکه نامزد شدند باید از چادر سیاه و روبند استفاده کنند (تصویر ۲۰) (رایس، ۱۳۸۳: ۱۲۰). به همین دلیل، آنان قلاب دوزی های ظریفی را روی پارچه های کتانی انجام می دادند که کاربرد روبنده داشت و معمولاً دخترانی که به سن هشت یا نه سالگی می رسیدند از این نقاب ها روی صورت خود استفاده می کردند. (بیشوپ، ۱۳۷۵: ۱۱۹) درباره فضای اندرونی نیز پزشک مخصوص ناصرالدین شاه در توصیف سه بانو که یکی مادر و دو تن دیگر دختران وی هستند، خصوصیات مشابهی را برمی شمارد و می نویسد: «ساتر هریک از این زن ها، عبارت از یک پارچه ابریشمی بود که آن را چادر نماز می نامند. لباس این سه زن از یک پارچه دوخته شده بود و اختلافی که داشتند در رنگ آنها بود. طول تمام لباس آنان بیشتر از زانوی آنها ممتد نمی شد. ایشان در زیر تمام لباس های خود پیراهن های تافته^{۲۰} پوشیده بودند و روی آن به یک بالا پوش مخمل بسیار تنگ ملبس بودند که آن بالا پوش به غیر از کتف و کمر آنها جای دیگری را نمی پوشانید. سرهای این سه زن به واسطه دستمال های بزرگ زری مستور بود.» (ویلز، ۱۳۶۳: ۱۵۳) مواردی که هرکدام بر همگونی پوشاک نونهالان دختر نسبت به بزرگسالان صحه می گذارد (جدول ۴).

لباس نونهالان پسر، در الگو و تزیینات کاملاً شبیه به لباس

بزرگسالان بود و فقط شاید تا حدودی پوشش سر آنها با یکدیگر تفاوت داشت. پسر بچه ها اگر کلاه بر سر می گذاشتند به بلندی کلاه مردان نبود و اگر کلاه و عمامه می گذاشتند تا وقتی خیلی جوان بودند از عمامه استفاده نمی کردند چون نمی توانستند آن را مرتب و منظم نگه دارند. البته نظر به موضوع این پژوهش یعنی لباس کودکان اشرف، لازم به تذکر است که استفاده از عمامه در دوره قاجار در بین درباریان بزرگسال و کوچکسال مرسوم نبود و افزون بر علمای دین، استفاده از آن صرفاً میان بازاریان متدین و اهل علم رواج داشت. به هر روی از لحاظ مدل و الگو، لباس کودکان در تمام طبقات تقریباً شبیه به هم می نمود و تفاوت در جنسیت پارچه متناسب با فصل ایجاد می شد که در طبقات بالا از زری^{۲۱}، اطلس^{۲۲}، شال ترمه^{۲۳}، برک^{۲۴} و دارایی^{۲۵} بود. (شهبهانی، ۱۳۹۶: ۵۹) به واقع پسر بعد از سن هشت، نه سالگی تا حد ممکن مانند پدر بار می آمد و درست مانند او لباس می پوشید، امری که در نقاشی های آن دوره نیز قابل بازبایی است (تصویر ۲۱). (روستا و شجاعی نیا، ۱۳۹۹: ۲۰۸) آنطور که سیاح عصر ناصری نقل می کند: در ایران، اطفال مانند کودکان اروپایی دارای لباس مخصوصی نیستند. پسران و دختران کوچک هم مانند مردان و زنان لباس می پوشند. فقط کلاه پسران با مردان تفاوت داشت. (فریزر، ۱۳۶۴: ۴۵۹) حتی با وجود آنکه تاج های شاهزادگان به بزرگی تاج شاه نبود اما همه جواهر نشان می شد. شاهزاده های قاجاری (خواهرزاده های ناصرالدین شاه) با اینکه کودک هستند اما تکبر و غرور شاهزادگی را دارند و مانند اشخاص بزرگ، رفتارشان موقرانه است (دیولافوا، ۱۳۹۰: ۱۵۹) درباره بالا پوش نیز بعد از رونق افتادن قبا و رواج سرداری، هر ایرانی، خواه غنی و خواه فقیر کت چین دار (سرداری) می پوشید. حتی کارگرانی که در مزارع کار می کردند و بچه هایی که سنشان حدود سه چهار سال بود، مثل بزرگترها عیناً از این نوع کت می پوشیدند. در واقع این کت چین دار، شبیه به پالتویی بود که لباس های دیگر زیر آن قرار می گرفت (تصویر ۲۲) (دوراند، ۱۳۹۸: ۴۱) و هریک از ویژگی های آن همچون رنگ و جنسیت، تابع انواع بزرگسالان بود چنانچه در صورت تملک و دارایی، در طمطراق نیز نظیر افراد بزرگسال طبقه خود جلوه می کرد و با جنسیت مرغوب تر و تزیینات بیشتر دوخته می شد (تصویر ۲۳). در این میان، میزان تأسی پوشش کودکان به بزرگسالان چنان گسترده بود که ایشان را از دیگر ملیت ها متمایز می ساخت چنانکه که معلم انگلیسی فرزندان ظل السلطان می نویسد: «شش نفر از فرزندان شاهزادگان با کلاه پوستی سیاه رنگ با لباس

جدول ۴. مقایسه اجزای لباس زنان و مردان با نونهالان دختر و پسر در دوره ناصری. (نگارنده).

انواع لباس	زنان	نونهالان دختر	لباس مردان	نونهالان پسر
پوشش سر	چارقد/ لچک	شبیبه به زنان	کلاه	شبیبه به مردان
تن پوش اندرونی	پیراهن	شبیبه به زنان	پیراهن	شبیبه به مردان
	دامن کوتاه یا بلند	شبیبه به زنان		
	شلوار	شبیبه به زنان		
تن پوش بیرونی	ارخالق یا شاپکین	شبیبه به زنان	شلوار	شبیبه به مردان
	چادر گلدار	شبیبه به زنان		
	جوراب	شبیبه به زنان		
تن پوش بیرونی	چادر و چاقچور	شبیبه به زنان	قبا یا سرداری	شبیبه به مردان
	روبنده	شبیبه به زنان		
	کفش	شبیبه به زنان	کفش	شبیبه به مردان

سفید و گشاد نشسته‌اند. من، معلم انگلیسی، معلم خصوصی ایشان با سر برهنه، چکمه به پا و قیافه‌ای بیگانه. با دو نوع فرهنگ و تمدن، رقیب یکدیگر و کاملاً متمایز. (اسپروی، ۱۳۷۹: ۹۵) بدین قیاس لباس نونهالان کاملاً به اسلوب پوشش بزرگسالی بود و کیفیات آن را در الگوی کلی، فرم، رنگ، طرح و نقش، جنسیت و حتی تزیینات دنبال می‌کرد (جدول ۴).



تصویر ۱۹. کودک نونهال قاجاری. موزه بروکلین (نیویورک). (URL4)



تصویر ۱۸. کودک نونهال قاجاری. کاخ موزه گلستان (تهران). (نگارنده)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، پوشش کودکان اشراف عصر قاجار در دوره ناصری مصداق بررسی قرار گرفت (۱۳۱۳/۱۸۹۶-۱۲۶۴/۱۸۴۸). علت گزینش این بازه زمانی، رجوع به مستندات تصویری دوره تاریخی مذکور در قالب عکس بود که صحت فرضیات مربوط مبتنی بر مستندات مکتوب را هموار می‌نمود. با نظر به مفهوم کودکی در تعاریف سنتی، لباس کودکان در دوره قاجار در قالب سه دوره نوزادی، خردسالی (کمتر از شش سال) و نونهالی (بین شش تا قریب نه سال در دختران و شش تا پانزده سال در پسران) به صورت نسبی قابل تعریف نشان می‌داد. لباس نوزادان در جنسیت دختر و پسر مشترک می‌نمود و بر لچک، کلاه، پیراهن، شلوار، بالاپوش، پیش‌بند، پیشانی‌بند، دست‌پیچ، سینه‌بند، شکم‌بند، سینه‌بند، قنداق، رو قنداقی و بند قنداق اشتهال می‌یافت که در جنسیت پارچه، رنگ و نقش مشابه منسوجات مورد استفاده در پوشاک بزرگسالان تهیه می‌شد. لباس خردسالان (کودکانی که به تازگی توانایی نشستن و راه رفتن پیدا می‌کردند) در شکل پسرانه شبیه در فرم، الگو، طرح و نقش به مردان بزرگسال بود و نه تنها در تمام قطعات: کلاه، پیراهن، شلوار، بالاپوش (قبا یا سرداری/کمرچین)، جوراب و کفش در متابعت از پدران می‌نمود که حتی جلوه‌های تزیینی ایشان همچون تاج و تاج‌کلاه (خاص



تصویر ۲۱. نمایی از کودکان نونهال قاجاری. موزه بریتانیا (لندن). (URL9).



تصویر ۲۰. کودک نونهال قاجاری. کاخ موزه گلستان (تهران). (نگارنده).



تصویر ۲۳. کودک نونهال قاجاری. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (تهران). (نگارنده).



تصویر ۲۲. کودک نونهال قاجاری. مجموعه خصوصی حمید توکلی، (URL10)

جدول ۵. ویژگی‌های لباس کودکان در دوره ناصری. (نگارنده)

کودکی	جنسیت	قطعات لباس	جنسیت پارچه کاربردی	نقش پارچه کاربردی	رنگ
نوزادان	دختر و پسر	لچک/ کلاه/ پیش بند/ شکم بند/ پیشانی بند/ سینه بند/ دست پیچ پیراهن/ شلوار/ بالاپوش/ قنداق/ بند قنداق/ رو قنداقی/ کفش	انواع پارچه همچون کتان/ چیت گلدار/ مخمل/ تافته/ زربفت/ برک/ اطلس/ شال ترمه/ دارایی	ساده و بدن طرح و نقش/ با انواع طرح و نقش رایج (گیاهی (گلدار))	تمام رنگ‌ها (محدویت ندارد)
خردسالان	دختر	لچک/ پیراهن/ شلوار/ دامن/ بالاپوش/ جوراب/ کفش	انواع پارچه همچون کتان/ چیت گلدار/ مخمل/ تافته/ زربفت/ برک/ اطلس/ شال ترمه/ دارایی	ساده و بدن طرح و نقش/ با انواع طرح و نقش رایج (گیاهی (گلدار))	تمام رنگ‌ها (محدویت ندارد)
	پسر	کلاه/ پیراهن/ شلوار/ بالاپوش/ جوراب/ کفش	انواع پارچه همچون کتان/ چیت گلدار/ مخمل/ تافته/ زربفت/ برک/ اطلس/ شال ترمه/ دارایی	ساده و بدن طرح و نقش/ با انواع طرح و نقش رایج (گیاهی (گلدار))	تمام رنگ‌ها (محدویت ندارد)
نونهالان	دختر	لچک/ پیراهن/ شلوار/ دامن/ بالاپوش/ چادر گلدار/ جوراب/ کفش/ چادر/ چاقچور/ روبنده	انواع پارچه همچون کتان/ چیت گلدار/ مخمل/ تافته/ زربفت/ برک/ اطلس/ شال ترمه/ دارایی	ساده و بدن طرح و نقش/ با انواع طرح و نقش رایج (گیاهی (گلدار))	تمام رنگ‌ها (محدویت ندارد)
	پسر	کلاه/ پیراهن/ شلوار/ بالاپوش/ جوراب/ کفش	انواع پارچه همچون کتان/ چیت گلدار/ مخمل/ تافته/ زربفت/ برک/ اطلس/ شال ترمه/ دارایی	ساده و بدن طرح و نقش/ با انواع طرح و نقش رایج (گیاهی (گلدار))	تمام رنگ‌ها (محدویت ندارد)

جنسیت، نقش و حتی جزئیات تزئینی از پوشش بزرگسالان پیروی می‌کرد که هرچند با شرایط کودکی همچون چابکی و تحرک تناسب نداشت اما نشان‌دهنده تمول و دارایی خانواده بود که نسبت به رهایی کودک، صاحب ارجحیت می‌آمد. در دوران نونهالی این تبعیت از پوشش بزرگسالی، جنبه تام می‌یافت یعنی برای دختران، پوشاک اندرونی و تزئینات وابسته به آن کامل‌تر می‌شد و پوشاک بیرونی جنبه رسمی پیدا می‌کرد. در مجموع آنکه از اساس شیوه پوشش و الگوی لباس در تمام سنین یکسان بود یعنی شکل و فرم ثابتی بود که متناسب با خصوصیات جسمانی و ساین پوشنده تغییرات نسبی و جزئی در آن لحاظ می‌شد. امید است سایر پژوهشگران با مطالعه در دیگر موارد مغفول در عرصه فرهنگ و هنر قاجار، نسبت به تبیین ظرایف آن اقدام کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. P.A.M. Jaubert: (۱۸۴۷-۱۷۷۹). فرستاده دولت فرانسه در عصر فتحعلی‌شاه.
۲. Henry Binder: (۹-۱۸۵۵). جهانگرد فرانسوی در عصر ناصرالدین‌شاه.
۳. Mme Carla Serena: (۱۸۸۴-۱۸۲۰). نویسنده و جهانگرد فرانسوی در عصر ناصرالدین‌شاه.
۴. Isabella Bird Bishop: (۱۹۰۴-۱۸۳۱). جهانگرد انگلیسی در عصر ناصرالدین‌شاه.
۵. Jakob Eduard Polak: (۱۸۹۱-۱۸۱۸). جهانگرد آلمانی و پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه.
۶. Robert Grant Watson: (۱۸۹۲-۱۸۳۴). عضو هیأت انگلیسی در عصر ناصرالدین‌شاه.

شاهزادگان) یا حتی خنجر (جهت تکمیل جلوه‌های عکاسی) شبیه به مردان بالغ بود. صرفاً درباره سرجامه، کلاه ایشان، با همان فرم و قالب، فقط کم‌تکلف‌تر تهیه می‌شد. درباره دختران نیز در طبقات بالادست، پوشش به شیوه زنان در فضای اندرونی مبتنی بر لچک، پیراهن، دامن، شلوار، ارخالق یا شاپکین و جوراب بود چنانکه حتی تغییرات پوشش زنان حرم‌خانه در دوره ناصری در لباس دختران خردسال اشرف و درباری مؤثر افتاد و اندازه دامن و نوع پاجامه آنها را از شلوار به جوراب‌شلواری تغییر داد. مسلماً با وجود چنین شباهتی در الگوی طراحی لباس؛ رنگ، نقش، جنس پارچه و حتی تزئینات لباس دخترانه نیز مشابه بزرگسالان بود. در میان انواع پوشاک اندرونی، تنها چادر گل‌دار کمتر در میان دختران خردسال استفاده داشت و بهره‌گیری از آن، بیشتر با دوره نونهالی ارتباط پیدا می‌کرد. بدین ترتیب در سنین نونهالی نیز، روال به شیوه خردسالی دنبال می‌شد با این تفاوت که در پوشش دختران، تزئینات لباس تکمیل‌تر می‌شد و لباس بیرونی زنانه، وجه رسمی به خود می‌گرفت و در فضای بیرونی با چادر و روبنده تکمیل می‌شد اما برای پسران همچنان از پوشش عمامه به دلیل دشواری در نگهداری پرهیز وجود داشت. البته که کلاه برای ایشان جنبه کامل‌تر و پرتکلف‌تری به خود می‌گرفت (جدول ۵). نتیجه مشخص این پژوهش نشان می‌دهد: فارغ از لباس کودکان در دوره نوزادی که قنداق و ملحقات آن بر دیگر اجزاء پوشش فزونی می‌یافت؛ تمام اجزاء پوشش کودکان در الگو، فرم، رنگ،

خرم‌آباد: شاپورخواست.

دیولافوا، ژان (۱۳۹۰)، *سفرنامه مادام دیولافوا*، ترجمه همایون فره‌وشی، تهران: دنیای کتاب.

ذکاء، یحیی (۱۳۳۶)، *لباس زنان ایران از سده سیزدهم هجری تا امروز*، تهران: اداره موزه‌ها و فرهنگ عامه.

رایس، کلارا کولیور (۱۳۸۳)، *سفرنامه کلارا رایس (زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان)*، ترجمه اسدالله آزاد، تهران: کتابدار.

رحیم‌زاده صفوی، علی اصغر (۱۳۶۲)، *اسرار سقوط احمدشاه*، تهران: فردوسی.

روستا، جمشید و شجاعی‌نیا، فائزه (۱۳۹۹)، *بازتاب آموزش کودکان در سفرنامه‌های فرنگیان عصر قاجار، جامعه‌شناسی تاریخی*، ۱۲ (۲): ۲۴۱-۲۰۵.

ژوبر، پ، امده (۱۳۴۷)، *مسافرت در ارمنستان و ایران*، ترجمه علیقلی اعتماد مقدم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

سرنا، کارلا (۱۳۶۲)، *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*، ترجمه علی اصغر سیدی، تهران: زوار.

شریعت‌پناهی، سیدحسام‌الدین (۱۳۷۲)، *اروپایی‌ها و لباس ایرانیان*، تهران: قومس.

شجاعی‌نیا، فائزه (۱۳۹۹)، *زندگی کودکان عصر قاجار در سفرنامه‌های فرنگی، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی*.

شین جوء، سوزوکی (۱۳۹۳)، *سفرنامه سوزوکی شین جوء*، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینچی نه‌اورا، تهران: طهوری.

شهری، جعفر (۱۳۷۸)، *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: رسا.

شهری، جعفر (۱۳۸۳)، *طهران قدیم*، جلد سوم و چهارم، چاپ چهارم، تهران: معین.

شهشهانی، سهیلا (۱۳۹۶)، *پوشاک دوره قاجار*، تهران: فرهنگسرای میردشتی.

صالح، الهه (۱۳۹۴)، *بررسی زیورآلات وابسته به پوشاک مردان در عهد قاجار*، پیکره، ۴ (۸): ۳۵-۲۴.

غیبی، مهرآسا (۱۳۸۵)، *تاریخ پوشاک اقوام ایرانی*، تهران: هیرمند.

فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴)، *سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی*، منوچهر امیری تهران، تهران: توس.

ماسهارو، یوشیدا (۱۳۹۰)، *سفرنامه نخستین فرستاده سفیر ژاپن به ایران (۱۲۹۱ ه.ق/ ۱۸۱۰ م.)*، ترجمه هاشم رجب‌زاده، چاپ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی.

مبینی، مهتاب و اسدی، اعظم (۱۳۹۶)، *سیری در مد و لباس دوره قاجار*، تهران: الزهراء.

محمدی، منظر (۱۴۰۰)، *سیاست‌های پوشاک در دوره قاجار و پهلوی اول*، تهران: مشکلی.

۷. Dieulafoy Jane: (۱۹۱۶-۱۸۵۱). مستشرق و باستان‌شناس فرانسوی در عصر ناصرالدین‌شاه.

۸. Charles James Wills: (۱۹۱۲-۱۸۴۲). پزشک و کارمند تلگراف انگلستان در عصر ناصرالدین‌شاه.

۹. Charles Metcalfe McGregor: (۱۸۸۷-۱۸۴۰). افسر انگلیسی در عصر ناصرالدین‌شاه.

۱۰. Wilfrid Sparroy: معلم انگلیسی فرزندان ظل‌السلطان در عصر مظفرالدین‌شاه.

۱۱. Ella. R. Durand: عضو هیأت انگلیسی در عصر مظفرالدین‌شاه.

۱۲. Yoshida Masahiro. فرستاده دولت ژاپن به ایران در عصر ناصرالدین‌شاه.

۱۳. Suzuki Shinjo: (۱۹۵۷-۱۸۷۳). عضو هیأت ژاپنی در عصر مظفرالدین‌شاه.

۱۴. Mme Carla Serena: (۱۸۸۴-۱۸۲۰). نویسنده و جهانگرد فرانسوی در عصر ناصرالدین‌شاه.

۱۵. Clara Colliver Rice: (۱۹۱۶-۱۸۶۶). همسر مبلغ مذهبی انگلیسی در عصر احمدشاه و اوایل پهلوی.

۱۶. پارچه پنبه‌ای رنگرزی نشده.

۱۷. نخ ابریشمی با روکش طلائی.

۱۸. پارچه پنبه‌ای نازک منقوش به شیوه چاپ قلمکار یا چاپی.

۱۹. اشاره به چاپ کلافه‌ای با مهر و ماده مقاوم.

۲۰. پارچه لطیف ابریشمی براق.

۲۱. پارچه با چله ابریشمی و پود گلابتون و ابریشم.

۲۲. پارچه لطیف ابریشمی پرزدار و براق.

۲۳. پارچه پشمی با نقش بته جقه که بافت کرمانی آن مشهور است.

۲۴. پارچه پشمی لطیف، مستحکم و خالص از موی بز یا شتر.

۲۵. مشهور به ایکات که نوع زردی آن مشهور است. ایکات بر سه نوع است: تاری، پودی و تاری پودی. این نوع نقش اندازی، روش قدیمی در منقوش کردن پارچه است به این ترتیب که نخ‌های پارچه را قبل از بافت رنگ کرده و به تدریج و به موازات بافت، نقش نمایان می‌شود.

فهرست منابع

اسپروی، ویلفرید (۱۳۷۹)، *بچه‌های دربار*، ترجمه ف، شاهلویی‌پور، تهران: انجمن قلم ایران.

اسدپور، عهدیه (۱۳۹۹)، *ازدواج کودکان: کنکاشی در صد سفرنامه دوران صفویه و قاجاریه*، تهران: نشر علم.

اسکویی، مهرداد و امیری، سمیه (۱۳۹۸)، *کتاب کودکی*، تهران: کارگاه اتفاق.

بایندر، هانزی (۱۳۹۹)، *سیاحت‌نامه هانزی بایندر*، ترجمه محمود طبیب، تصحیح سید مرتضی آل‌داود، تهران: مگستان.

بیشوپ، ایزابلا (۱۳۷۵)، *از بیستون تا زرکوه بختیاری*، ترجمه مهتاب امیری، تهران: سپند.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.

حاتمی، زهرا (۱۳۹۵)، *تاریخ کودکی در ایران*، تهران: نشر علم.

دوراند، الا، ر (۱۳۹۸)، *سفرنامه دوراند*، ترجمه علی محمد ساکی،

URL1: <http://tarikhirani.ir/fa> (access date: 12/12/2022)
 URL2: <https://www.parsine.com/> (access date: 12/12/2022)
 URL3: <https://www.bonhams.com/auction/21722/lot/8/a-qajar-concertina/> (access date: 12/12/2022)
 URL4: <https://www.brooklynmuseum.org/> (access date: 12/12/2022)
 URL5: <https://www.khabaronline.ir/> (access date: 12/12/2022)
 URL6: <http://search.qajarwomen.com/search?lang=-fa&query> (access date: 12/12/2022)
 URL8: <https://www.vam.ac.uk/collections?type=featured> (access date: 12/12/2022)
 URL7: <https://www.hamshahrionline.ir/> (access date: 12/12/2022)
 URL9: <https://www.britishmuseum.org/collection> (access date: 12/12/2022)
 URL10: <http://www.textileasart.com/persian.htm> (access date: 12/12/2022)

مک گرگور، کلنل س، ام (۱۳۶۶)، شرح سفری به ایالت خراسان، جلد اول، ترجمهٔ مجید مهدی‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
 موریه، جیمز (۱۳۸۶)، سفرنامه جیمز موریه (سفر یکم)، ترجمهٔ ابوالقاسم سری، جلد اول و دوم، تهران: توس،
 مونسی سرخه، مریم (۱۳۹۶)، پوشاک ایرانیان در عصر قاجار (چگونگی و چرایی)، تهران: الزهراء.
 واتسن، رابرت گرنٹ (۱۳۴۸)، تاریخ ایران دوره قاجاریه، ترجمهٔ ع، وحید مازندرانی، چاپ دوم، تهران: سپهر.
 ویلز، چارلز جیمز (۱۳۶۳)، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ترجمهٔ سیدعبدالله، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، تهران: زرین.
 ویلز، چارلز جیمز (۱۳۸۸)، ایران در یک قرن پیش (سفرنامه دکتر ویلز)، ترجمهٔ غلامحسین قراگوزلو، تهران: اقبال.